

قیام سیم ماه مهر ماه ۱۳۵۷ دانش آموزان و دانشجویان همدان علیه رژیم شاه ابوالفتح مؤمن^۱

چکیده

بررسی علل و پیامدهای تظاهرات انقلابی دانشجویان و فرهنگیان همدان در روز سیم مهرماه ۱۳۵۷، شرح رویدادها و وقایع این روز و ارائه‌ی آمار و اسامی شهدا و مجروحین این روزها که بوسیله‌ی مأموران رژیم به خاک و خون کشیده شدند همچنین ارائه اعلامیه‌های تظاهرات مربوط به این ایام و اعلام حمایت‌های روحانیون و مراجع از این حرکت انقلابی مردم همدان، موضوع این مقاله است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، همدان، قیام سیم مهرماه ۱۳۵۷، دانشجویان، دانش آموزان، فرهنگیان.

۱. پژوهشگر و کارشناس ارشد تاریخ.

قیام سی‌ام مهر ماه ۱۳۵۷ دانشجویان و دانش‌آموزان همدان علیه رژیم پهلوی: پیروزی انقلاب اسلامی حاصل چندین دهه مبارزه‌ی روحانیون، مردم، فرهنگیان، دانشگاهیان و... بود که هر یک از این اقشار و طیف‌ها به نوبه‌ی خود سهم بسزایی داشتند. در این میان دانش‌آموزان، دانشجویان و دانشگاهیان نیز نقش مؤثری داشته و با حضور فعال در تمام صحنه‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی یکی از نیروهای شاخص در توزیع اعلامیه، شعار نویسی و بر پا کردن تظاهرات بودند. دانشگاهیان و فرهنگیان همدان نیز همچون دیگر همکاران خود در این مبارزات سهمیم بودند، از جمله می‌توان به مبارزات دکتر عزت‌الله رادمنش، دکتر سیدکاظم اکرمی، حسن مشتاقی، علی آقا محمدی، محمود آزادیان، محمد صالح مدرسه‌ای و ... اشاره کرد. از دانش‌آموزانی که در این راه مبارزه کردند و توسط ساواک به شهادت رسیدند باید از: جلال سنایی، اکبر غیاثوند حاجی آبادی، علی رضا لاجینی و از دانشجویان؛ سید رضا دیباج، مصطفی بهرامی، محمد حسن حق‌گویان یاد کرد^۱.

با شروع سال تحصیلی در مهر ماه ۱۳۵۷ سیر مبارزاتی دانش‌آموزان و دانشجویان وارد مرحله‌ی جدیدی شد و رژیم را دچار سردرگمی عجیبی نمود. یکی از تظاهرات و درگیری‌های گسترده، تظاهرات و راهپیمایی سی‌ام مهر ماه دانشجویان و دانش‌آموزان همدان بود که سازماندهی این تظاهرات در مدارس سطح شهر و مدرسه‌ی جامع دانشگاه بوعلی سینای همدان انجام می‌شد.

دو عامل باعث تظاهرات گسترده‌ی دانشگاهیان و فرهنگیان همدان در روز یکشنبه سی‌ام مهر ماه علیه رژیم شد؛ علت اول شایع شدن رفتار غیر انسانی و منافی عفت یکی از ماموران شهربانی همدان بنام سرگرد حسین هاشمی با یک دانش‌آموز دختر بود که در طی تظاهرات روزهای قبل، توسط مامورین بازداشت شده بود. چنین شایع شد که دختر مذکور پس از آزادی به خاطر رفتار غیر انسانی

۱. ر.ک: بنیاد شهید انقلاب اسلامی شهرستان همدان، پرونده‌های شماره ۵۷/۳۷۷ - ۱/۱ ش ۵۷/۲۲۶ - ۱/۱ ش، ۱/۵۲/۸ ش؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، بازیابی ۸۴/م سند شماره ۱۵۹.

مامور مزبور خودکشی کرده^۱، به همین دلیل دانش‌آموزان و دانشجویان خشمگین‌تر از گذشته علیه رژیم تظاهرات کردند؛ عامل دوم که باعث حرکت توفنده‌ی آنان شد، آتش‌سوزی در مسجد جامع کرمان بود.

در روز سی‌ام مهر ماه، دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه‌ی آذر هنگام خروج از دبیرستان به سر دادن شعار علیه رژیم پرداختند؛ روزنامه‌ی آیندگان در این باره نوشت: «همدان دیروز (سی مهر) روز پر آشوبی را گذراند و تظاهرات خشونت بار دانش‌آموزان دبیرستانهای این شهر به سرعت گسترش یافت و با تیراندازی ماموران سه نفر شهید و بیش از بیست نفر مجروح شدند، در پی تظاهراتی که در دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی به عنوان اعتراض به آتش زدن کتابخانه‌ی مسجد جامع کرمان برپا شده بود، برخوردی میان ماموران انتظامی و تظاهر کنندگان در گرفت که به خیابانهای شهر کشیده شد، بدنبال آن دانش‌آموزان دبیرستانهای پسرانه پهلوی و ابن‌سینا در خیابان خواجه نصیرالدین اجتماع کردند و علیه رژیم شعارهایی سر دادند و سپس به سوی میدان مرکزی شهر (امام خمینی فعلی - پهلوی سابق) سرازیر شدند و در مسیر حرکت خود سینماها و چند بانک را به آتش کشیدند. در خیابان شورین (شهدای فعلی) تعداد زیادی از مردم به تظاهر کنندگان پیوستند و به گفته‌ی شاهدان عینی شمار آنها به ده تا پانزده هزار نفر رسید، در این هنگام افراد انتظامی که در پشت‌بام هتل کاخ و بانک ملی موضع گرفته بودند، آتش گشودند و آنها را متفرق کردند. در این درگیری خونین سه [نفر] کشته و بیش از بیست نفر مجروح شدند. کشته شدگان؛ باقر مصفا، نصرت داوودی و یک نفر دیگر بودند که بیمارستان اکباتان همدان جواز دفن آنها را صادر کرده است. همچنین در بیمارستانهای بوعلی سه نفر، شیر و خورشید یک نفر و اکباتان سیزده نفر تحت عمل جراحی قرار گرفتند که حال برخی از آنها وخیم است. از کشته شدگان احتمالی و مجروحانی که به بیمارستان ارتش برده شده‌اند،

۱. ر. ک: بولتن خبرگزاری پارس، شماره ۲۱۹، ۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۱۶؛ کیهان، شماره ۱۰۵۹۴، ۲۰

اطلاعی در دست نیست.»^۱ روزنامه‌ی مذکور در ادامه نوشت: موج اعتصاب و اعتراض و ناآرامی در دبیرستانهای همدان به اوج رسید و دانش‌آموزان کلاسها را تعطیل کردند و سپس با برپایی تظاهرات به خیابانها ریختند، تظاهرات دانش‌آموزان دبیرستان علوی به حدی بود که مسؤولان این آموزشگاه اقدام به تعطیلی دبیرستان کردند و سپس دانش‌آموزان در حالی که شعار می‌دادند، مسیر خود را تا مسجد جامع ادامه دادند، ناآرامی فوق‌العاده دبیرستان سینا، رئیس این دبیرستان آقای دانشگر را وادار به استعفاء کرد.

علاوه بر دبیرستانهای مذکور هنرجویان هنرستان صنعتی سپهبد زاهدی (دبیاج فعلی) دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند، که منجر به درگیری با مامورین گردید که گروهی مجروح شدند، تظاهر کنندگان در خیابانهای سپهبد زاهدی، امامزاده عبدالله و باباطاهر به حرکت خود ادامه دادند، که مجدداً در خیابان باباطاهر با مامورین شهربانی درگیر شدند که پلیس از گاز اشک‌آور استفاده کرد و با شلیک گلوله راه آنان را سد نمود.^۲ تظاهرات فرهنگیان، دانشگاهیان و مردم همدان در روز سی‌ام مهر ماه بی‌سابقه بود که شهدا و مجروحین زیادی را در پی داشت، شهدا عبارت بودند از: یک نفت فروش، یک دارو فروش، یک خراز و یک کماج فروش، البته در این درگیریها یک پلیس کشته و چهار پلیس دیگر مجروح شدند.

در این تظاهرات که تا ساعت ۲ بعدازظهر صدای شلیک گلوله از گوشه و کنار شهر به گوش می‌رسید، عده‌ای از مدرسه‌ی آخوند بین تظاهر کنندگان مواد آتش‌زا توزیع می‌کردند و گروهی از تظاهر کنندگان که در پشت‌بامها کمین کرده بودند به سوی مامورین پلیس شیشه‌های بنزین و آجر پاره پرتاب می‌کردند. خیابان شورین (شهدای فعلی) نیز مرکز تظاهرات خونین همدان بود.^۳ بعدازظهر همین روز مجروحین به بیمارستانهای همدان منتقل شدند و مردم برای اهداء خون به مجروحین جلوی بیمارستانهای مذکور صف کشیدند. روزنامه‌ی کیهان در این باره

۱. روزنامه‌ی آیندگان، سال ۱۱، شماره ۳۲۴۷، اول آبان ۱۳۵۷، صص ۱۳ و ۱.

۲. اطلاعات، شماره‌ی ۱۵۷۳۹، ۳۰ مهر ۱۳۵۷.

۳. روزنامه‌ی رستاخیز، شماره‌ی ۱۰۴۴، اول مهر ۱۳۵۷، صص ۴ و ۱.

نوشت: «بعد از ظهر امروز (سی‌ام مهر) با انتقال مجروحین و شهدا به بیمارستانها، خانواده‌های مجروحین و مقتولین در مقابل این بیمارستانها اجتماع کرده و مانع دخالت مامورین در امور بیمارستانها شدند. در مقابل در ورودی این سه بیمارستان (بوعلی، اکباتان، پهلوی) صف‌های طولی تشکیل شده بود که از کودک ۸ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله در آن دیده می‌شدند. این صف‌ها برای اهدای خون و نجات جان مجروحان تشکیل شده بود ... ساعت ۹ شب حدود یک هزار نفر از بستگان مقتولان و مجروحان در محوطه‌ی بیمارستان اکباتان اجتماع کردند و از مسوولان خواستند پلیس در کار مجروحان که در اطاق عمل یا بخش‌های عادی بستری هستند، دخالتی نکنند. دکتر ریاحی، رئیس بیمارستان به آنان قول داد که پلیس در داخل بیمارستان هیچ دخالتی نکند. همچنین رئیس بیمارستان موافقت کرد که قبل از طلوع آفتاب اجساد قربانیان تظاهرات در اختیار بستگان آنها قرار گیرد. عده‌ی زیادی از مجروحان از ترس اینکه بدست پلیس بیفتند، به بیمارستانها مراجعه نکرده‌اند و در خانه‌های خود بستری هستند.»^۱ در جریان این تظاهرات طلاب مدرسه‌ی آخوند و روحانیون نیز فعال بودند. به همین خاطر یکی از روحانیون بنام میرزا بشیر عظیمی از ناحیه‌ی پا هدف گلوله قرار گرفت و مجروح شد.

تشییع جنازه‌ی شهدا:

بدنبال تظاهرات گسترده‌ی سی‌مهر ماه، در ساعت ۱۷ همان روز شورای تأمین استان همدان تشکیل و قرار شد تیپ زرهی، نیروهای بیشتری را در اختیار شهربانی محل قرار دهد.^۲ مسوولین شهر می‌دانستند که در مراسم تشییع جنازه‌ی شهدا تظاهرات عظیمی علیه رژیم برپا خواهد شد، لذا مامورین انتظامی سعی کردند که پیکر شهدا را بدون اطلاع خانواده‌های آنان دفن نمایند تا مشکلی بوجود نیاید. به همین دلیل در اول آبان ماه ۱۳۵۷ گروهی از ماموران انتظامی به

۱. کیهان، شماره ۱۰۵۹۳، اول مهر ۱۳۵۷، ص ۴.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده گزارشهای شهربانی، کد ۱۸۴ م، سند ۲۵۸.

بیمارستان اکباتان رفتند و جسد مردی که در تظاهرات سی مهر ماه، شهید شده بود، بدون آنکه جواز دفن داشته باشد، از پزشکان و پرستاران به زور گرفته و با خود بردند. موضوع توسط کارکنان بیمارستان و بستگان مقتول به دادستان همدان گزارش شد. دادستان نیز طی نامه‌ای به مسوولان گورستان «باغ بهشت» نوشت: «از دفن جسد بدون جواز خودداری نمایید.» مسوولان مذکور از پذیرفتن نامه‌ی دادستان سرباز زدند و در عین حال یادآوری کردند که از دفن جسد بدون جواز نیز خودداری می‌کنند. این موضوع دامنه‌ی بیشتری پیدا کرد و ابعاد تازه‌ای یافت تا جایی که استاندار همدان برای ختم ماجرا به پزشک قانونی دستور داد که جواز دفن بنام مقتول صادر شود، اما پزشک قانونی اعلام کرد، برای صدور جواز، باید جسد را معاینه کنیم و به علاوه این موضوع در صلاحیت دادسراست و بازپرس تحقیق باید در این زمینه دستور دهد. استاندار طی تماسی با بازپرس اظهار داشت: بخاطر همکاری با مقامات انتظامی باید برای این جسد جواز دفن صادر کنید، ولی بازپرس درخواست وی را رد کرد و اعلام نمود: «من کاری به همکاری با مقامات ندارم و وظیفه‌ی قانونی خود را انجام می‌دهم.» از طرف دیگر دادستان بازپرس تحقیق، دکتر افتخاری رئیس بیمارستان اکباتان را برای پاسخگویی در زمینه‌ی تسلیم جسد به مامورین احضار کرد، که دکتر افتخاری در جواب اظهار داشت: «ما نمی‌توانستیم مقاومت کنیم.»^۱ بدین ترتیب مقامات سیاسی و قضایی همدان نتوانستند از اقدامات خشونت بار مامورین انتظامی جلوگیری کنند.

در صبح روز اول آبان پیکر شهدا در میان تدابیر شدید امنیتی به باغ بهشت جهت دفن منتقل شدند. در این روز تمام مدارس و مراکز آموزش عالی و بازار به عنوان اعتراض به وقایع دیروز تعطیل شد و از سوی دیگر شهر بطور کامل در کنترل نیروهای زرهی و خودروهای ارتش بود، در همین روز اسامی شش نفر از شهدایی که تا آن لحظه اعلام نشده بود، اعلام گردید و تعداد مجروحین نیز ۲۸ نفر بیان شد در حالی که از تعداد و سرنوشت دستگیر شدگان اطلاعی در دست نبود.

در حدود ساعت ۱۱ همان روز چندین هزار نفر از مردم، روحانیون، دانشگاهیان و فرهنگیان به منظور تشییع جنازه‌ی شهدا عازم باغ بهشت شدند. پس از برگزاری مراسم مذکور جمعیتی که در باغ بهشت اجتماع کرده بودند، بازگشته و در دادسرای همدان متحصن شده و خواستار معرفی و تعقیب مسببان کشتار اخیر و آزادی دستگیر شدگان شدند. صفی‌خانی دادستان همدان در اجتماع آنان حاضر شد و اظهار داشت: «نامه‌ی شدیدالحنی به رئیس شهربانی نوشته‌ام که ظرف ده روز تمام عاملان و مسببان کشتار را معرفی کند و چنانچه در این زمینه کوتاهی نماید، مسلماً تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.» در این هنگام آیت‌الله محمد تقی عالمی دامغانی از دادستان خواست تا اجساد کشته شدگان و نیز گروهی از مجروحان حادثه اخیر که به نقطه‌ی نامعلومی منتقل شده‌اند به صاحبان و بستگان آنها تحویل داده شود. دادستان در پاسخ اعلام داشت نام بستگان این قبیل افراد و آنهایی که عزیزی را از دست داده‌اند یا کسانی از آنها مجروح شده‌اند بدون واژه از کسی، جریان واقعه را به دادستان بنویسند و مطمئن باشند در صورت ابراز این جریان، اجساد افراد مورد نظر و مجروح تحویل آنان خواهد شد.^۱

در همین روز جمعیت مذکور در میدان پهلوی اجتماع کردند و حجت‌الاسلام عباس عالمی، امام جماعت مسجد میرزا داوود، که از روحانیون فعال علیه رژیم بود، رهبری جمعیت را به عهده گرفت و با بلندگوی دستی برای مردم سخنرانی و اعلام داشت که رهبر ما امام خمینی است و میدان پهلوی باید بنام ایشان نامگذاری شود.^۲ پس از تشییع جنازه‌ی شهدا، بعدازظهر دوم آبان مجلس یاد بودی به همین مناسبت در مسجد جامع همدان برگزار گردید، اما پیش از برگزاری مجلس صبح همین روز تظاهرات آرامی صورت گرفت، که دنبال آن روحانیون و مردم مجدداً در دادسرای شهر همدان اجتماع کردند، دادستان همدان در این اجتماع ده هزار نفری مردم حاضر شد و خطاب به آنها گفت: من تمام کارهای قضایی را رها کرده و دنبال شکایت اخیر درباره‌ی تظاهرات خونین همدان هستم،

۱. همانجا.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده‌ی گزارشهای شهربانی، کد ۱۸۴، م، سند ۲۶۶.

با کوششی که به عمل آمده هیجده نفر از دستگیرشدگان آزاد شدند و تظاهرات آرام را نباید با گلوله به مردم پاسخ داد. من به عنوان دادستان همدان از این موضوع متأسفم، شهربانی باید ضابط دادرسی همدان باشد ولی باید گفت که شهربانی همدان هیچ‌گونه کمکی به ما نکرده است.^۱

مجلس ترحیم در ساعت ۱/۴۵ با حضور گسترده‌ی اقشار مختلف مردم و روحانیون در مسجد جامع برگزار گردید، و روحانیون در این مراسم برای حاضرین سخنرانی کرده و آنان را به پایداری و مبارزه فراخواندند. بعد از این واقعه؛ تظاهرات مردم، فرهنگیان و دانشگاهیان دامنه‌ی شدیدتری پیدا کرد و روزی نبود که آنان به اماکن نظامی و انتظامی حمله نکرده و با مامورین درگیر نشوند.

اعلام حمایت گروه‌های مختلف از تظاهرات سی‌ام مهر:

تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان به همراه مردم علیه رژیم در سی‌ام مهر ماه که حمله‌ی مامورین رژیم به آنان را بدنبال داشت، باعث واکنش مجامع و گروه‌های مختلف کشور گردید و آنان به حمایت گسترده از دانشجویان، دانش‌آموزان و مردم همدان پرداختند.

- دانشگاهیان: دانشجویان دانشگاه بوعلی سینای همدان از همان آغاز مهر و دایر شدن کلاسهای دانشگاهی همراه و همگام با سایر مردم و فرهنگیان علیه رژیم به فعالیت پرداختند و در تمام صحنه‌ها حاضر بودند. آنان در ۱۱ مهر ماه با صدور اعلامیه‌ای به انتخاب فرهاد ریاحی، رئیس دانشگاه بوعلی، محمد فضائلی و محسن امینی به عنوان نمایندگان دانشگاه بوعلی سینا و اعزام آنها به تهران جهت مذاکره راجع به لایحه‌ی دانشگاهها اعتراض کرده و خواستار لغو نمایندگی آنان شدند. دانشگاهیان پس از چندی در سومین اعلامیه‌ی خود خواسته‌هایشان را چنین اعلام داشتند:

۱. اجرای کامل اصول دموکراسی از جمله مشارکت کامل دانشگاهیان در امور مربوط به خود.

۲. قطع دخالت مقامات به اصطلاح ذی صلاح و غیر دانشگاهی بالاخص دفتر حفاظت وزارت علوم و آموزش عالی در تمام امور دانشگاهیان.

۳. برگزاری دوره‌ی فوق‌لیسانس مدرسی علوم اجتماعی.

۴. بازگشت یحیی مهاجر کارشناس آموزش - پژوهشی مجتمع علوم آموزشی.

۵. بازگشت دکتر داریوش نویدی مدرس علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی.

۶. پایان دادن به مساله‌ی عدم صلاحیت امنیتی دکتر بیژن سرشکی مدرس معماری و شهرسازی مجتمع علوم محیط زیست منابع طبیعی.

۷. قطع دخالت‌های مقامات خارج از دانشگاه در تعیین سرنوشت شغلی کارکنانی نظیر مهندس مظفر شریفی و سهیلا واقفی. دانشگاهیان همدان اعلام کردند که تا تحقق کامل و بدون قید و شرط خواسته‌هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.^۱

بدنبال وقایع سی‌ام مهر همدان و قتل عام تظاهر کنندگان توسط نظامیان، دانشگاهیان و دانشجویان بوعلی‌سینا که خود در بطن واقعه حضور داشتند، در اعتراض به این کشتار و برقراری حکومت نظامی در همدان، دست به اعتصاب غذا زدند، از طرف دیگر دانشجویان مدرسه عالی بهداشت همدان که از هشتم مهر ماه دست به اعتصاب زده بودند به این اعتصاب پیوسته و خواستار آزادی زندانیان سیاسی و مجازات مسببین حوادث اخیر کشور از جمله هفده شهریور تهران، سینما رکس آبادان، کشتار همدان و کرمان شدند و اعلام کردند تا تحقق خواسته‌هایشان از حضور در کلاس خودداری خواهند کرد.^۲

دانشجویان دانشگاه بوعلی در حالی که دست به اعتصاب غذا زده بودند، در روز اول آبان خواسته‌های خود را به شرح ذیل اعلام داشتند:

۱. عزل استاندار و رئیس شهرداری همدان و محاکمه و مجازات آنان در دادگاه عمومی زیر نظر نمایندگان کانون وکلا،

۱. روزنامه‌ی ندای میهن، سال ۲۸، ۲۹ مهر ۱۳۵۷، ص ۳.

۲. کیهان، شماره ۱۰۵۹۴، ۲ آبان ۱۳۵۷، ص ۲۳.

۲. تعیین و مجازات فوری عاملین جنایات سی مهر همدان در دادگاه عمومی زیر نظر نمایندگان کانون وکلا.
۳. رفع فوری اشغال نظامی شهر همدان و دادن تضمین در مورد عدم تکرار آن در آینده.
۴. آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام دستگیر شدگان وقایع اخیر همدان.
۵. مجازات فوری مرتکبین هتک ناموس به عنف یکی از دختران دانش‌آموز در شهرداری همدان که منجر به خودکشی او شده است.
۶. تحویل بدون قید و شرط زخمی‌هاییکه در بیمارستان‌های ارتش بستری هستند.
۷. تحویل بدون قید و شرط جنازه‌های شهدای سی‌مهر ماه و ممانعت ماموران از اجرای مراسم تدفین و عزاداری.^۱
- این قطعنامه در اجتماع حدوداً شش هزار نفری از اعتصابیون دانشگاه بوعلی‌سینا، بازاریان، معلمان و دانشجویان قرائت و به تصویب رسید. در همین زمان کارکنان دانشگاه بوعلی اعلام کردند به عنوان اعتراض به کشتارهای اخیر و همدردی با بازماندگان شهدا دست از کار خواهند کشید. آنها از بستگان زخمی شدگان خواستند که در صورت نیاز به هرگونه کمک به دبیرخانه دانشگاه مراجعه کنند. دانشگاهیان و دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا، در ششم آبان با نثار گل به مزار شهدای سی‌مهر و برگزاری مراسم شب هفت این شهید، به تحصن خود پایان دادند. یکی از اساتید در این باره اعلام داشت: «خاتمه‌ی تحصن به معنای پایان مبارزه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان نیست، این هفته‌ی همبستگی ملی است که توسط سازمان ملی دانشگاهیان اعلام شده، لذا برای اینکه دست ما برای مبارزه باز تر شود و تشکل دادن به این هفته، تحصن خود را شکستیم.»^۲
- بدین ترتیب دانشگاهیان و دانشجویان یکبار دیگر بر تداوم مبارزه و همراهی و همگامی با مردم انقلابی تاکید ورزیدند.

۱. همانجا.

۲. آیندگان، سال ۱۱، شماره ۲۲۲۵، ۷ آبان ۱۳۵۷، ص ۲.

- فرهنگیان: معلمان و فرهنگیان همدان که خود از مروجین انقلاب و تشویق کننده‌ی دانش‌آموزان در اعتصاب و تظاهرات خیابانی بودند، در تظاهرات گسترده‌ی سی مهر ماه از نیروهای فعال محسوب می‌شدند آنان در کلاسهای درس با شرح حقایق جامعه برای دانش‌آموزان نقش زیادی را در رشد آگاهی و بیداری آنها داشتند، چنانکه دبیری بنام تقی نژاد در کلاس درس ضمن بیان فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، ادعای پیشرفت از سوی سران رژیم را به باد مضحکه می‌گرفت و در هر کلاس و محفلی بر آگاهی دانش‌آموزان از اوضاع کشور اهتمام داشت.^۱

در دوم آبان آموزگاران و فرهنگیان شهرستان همدان در محوطه‌ی آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کرده و به تظاهرات و سخنرانی علیه رژیم پرداختند. آنان برای ادامه‌ی مبارزه خود دو راه در نظر گرفتند؛ اعتصاب و تظاهرات و راهپیمایی همچنین قطعنامه‌ای به شرح ذیل صادر و تصویب کردند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اَلَا انَّ جِزْبُ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»

«ما فرهنگیان همدان از روز دوم آبان ماه در اداره‌ی آموزش و پرورش همدان گرد آمده تا ضمن اعلام پیوستگی به عزای عمومی به جهت کشتار فجیع و بیرحمانه‌ی مردم همدان به دست عمال رژیم در روز سی‌ام مهر ماه اعتراض و انزجار شدید خود را نسبت به اعمال وحشیانه‌ی پلیس و کشتار مردم بیگناه ابراز داشته و با اعلام پشتیبانی کامل از روحانیون، قطعنامه‌ی دانشگاهیان دانشگاه بوعلی‌سینا همدان و تحصن قضات و وکلای محترم همدان و اعتصاب بازاریان محترم، خواسته‌های خود را به صورت این قطعنامه اعلام می‌داریم و به عنوان اعتراض به مدت ۴۸ ساعت در اداره‌ی آموزش و پرورش همدان به اعتصاب غذا دست می‌زنیم:

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو گزارشهای شهربانی، کد ۱۲۰۱۹/۱، بازبانی ۱۰۶، سند ۷۲.

۱. محاکمه و مجازات و عزل استاندار و رئیس شهربانی همدان و سروان هاشمی، ستوده و سر پاسبان فعلی و سایر مسببین تجاوز به ناموس مردم و عاملین فجایع اخیر همدان، بوسیله کانون و کلا،

۲. خارج ساختن قوای نظامی از شهر همدان که عملاً وضعیت حکومت نظامی را نشان می‌دهد،

۳. عزل و محاکمه و مجازات کلیه‌ی مسببین حمله به اداره‌ی آموزش و پرورش اسدآباد که با پشتیبانی گروهان ژاندارمری اسدآباد صورت گرفته و قصد داشتند کارمندان را به اجبار وادار به پشتیبانی از دستگاه حاکمه نمایند،

۴. آزاد شدن کلیه‌ی دستگیر شدگان استان همدان،

۵. تحویل جنازه‌ی شهدا به خانواده‌های داغیده‌ی آنها و ارائه‌ی آمار کلی کشته شدگان و مجروحین وقایع اخیر و انتقال آنها از بیمارستان ارتش به بیمارستان عمومی فرهنگیان همدان.^۱

- وکلا و قضات: وکلای دادگستری همدان همچون دیگر اقشار و اصناف شهر همدان از دانش‌آموزان و دانشجویان و تظاهرات سی‌ام مهر ماه حمایت کرده و خواهان مجازات عاملان کشتار مردم در این روز شدند. آنان به همین منظور در روز اول آبان از ساعت ۹ صبح در دادسرای همدان تحصن کرده و دست به اعتصاب غذا زدند و اعلام کردند تا زمانی که به خواسته‌های آنان عمل نشود، دست از اعتصاب غذا نخواهند کشید. آنها با صدور یک قطعنامه‌ی چهار ماده‌ای خواستار مجازات عاملین کشتار مردم، خروج خودروهای نظامی و تانک‌ها از شهر و جلوگیری از ورود ماموران شهربانی به مدارس و مؤسسات آموزشی شدند.

سخنگوی وکلای مذکور اعلام نمود؛ بدون آنکه در شهر همدان حکومت نظامی شده باشد، شهر چهره‌ی حکومت نظامی گرفته و حضور نیروهای مسلح، مردم این شهر را پیش از پیش عصبانی می‌کند و سبب تحریک آنها می‌شود.^۲

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، گزارشهای شهربانی، کد ۱۱۷/۳.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده‌ی روحانیون مبارز، کد ۳۱۶۹.

وکلای همدان در حالی که تحصن اختیار کرده بودند، شکوائیه‌ای راجع به وقایع سی مهر همدان تنظیم نمودند که توسط یکی از وکلا قرائت شد:

«به طوریکه کراراً و مخصوصاً دیروز از ساعت ۹ صبح به بعد مشاهده فرموده‌اید چندی است که اهالی همدان در اثر اعمال خلاف قانون و تیراندازی‌های ماموران به اصطلاح انتظامی و شهربانی همدان، از نعمت آزادی و صیانتی که به موجب قانون اساسی باید داشته باشند و حتی از نعمتی که وحوش و حیوانات طبیعتاً دارند محروم مانده و جان عده‌ای در معرض تیراندازی‌های ماموران به ویژه سروان حسین هاشمی قرار گرفته و در مقابل تیرهای جانشوز ماموران مزبور به وسیله‌ی مسلسل‌های سبک و سنگین و سلاحهای کم‌ری و دستی و حتی چوب و باطوم مردم بدبخت و بی‌پناه این شهرستان جان خود را از دست داده‌اند و می‌دهند و این سبکسری و تجاوز به جان و ناموس، فرزندان معصوم اهالی را هم در داخل مدارس و دبیرستانها در بر گرفته و همچنین دو سه روز قبل که ناموس یکی دو نفر از دانش‌آموزان دبیرستان پروین اعتصامی مورد تجاوز و شاید هم به قرار مسموع منتهی به مرگ یکی از آنان به نام اردکانی شده است. بالاخره دیروز در ساعت ۹ صبح به بعد ماموران با تهیه‌ی قبلی و سنگربندی در بالای بامهای هتل کاخ و خیابان شورین، حتی [به] کسبه و پیشه‌ورانی که در آن خیابان مشغول کسب بودند تیراندازی کرده و ضمن کشتار جمعی از اطفال و زنان بیگناه، بیش از ۵۰ نفر بنا بر مسموع کشته شده منجمله؛ نصرت داوری نفت فروش، کوتاه قد، که مشغول بستن دکان خود بوده هدف تیرهای مسلسل ماموران قرار گرفته و در دم جان خود را از دست داده و متجاوز از ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند، در حالی که ماموران جنازه‌ی اکثر کشته شدگان را برده و معلوم نیست با اجساد بدبختان چه کار کرده‌اند. عملیات ترور و وحشت آنان بعدازظهر متوجه میدان و سایر نقاط شهر و بالاخره خیابان بوعلی در ساعت ۴/۳۰ شد و در نقاط مزبور هم قربانیهای زیادی داده که نبودن امنیت برای مردم مانع از بدست آوردن اطلاعاتی راجع به کشته‌گان و مجروحین شده است. در عصری که قانون آزادی بشر در اقصی نقاط دنیا سایه افکنده، در قلب شهرستان همدان روز روشن برخورد با این صحنه‌ها سخت غیر

قابل تحمل و موجب شد که بندگان به مقتضای شغلی خود و به اقتضای روح همبستگی با عامه با قلبی شکسته به دادسرای شهرستان همدان که مرجع تظلمات و مأمین مردم است متحصن شده و ضمن اعلام جرم دایر به این آدمکشی دسته جمعی و هتک ناموس به وسیله‌ی ماموران انتظامی و شکستن حریم امنیت عمومی مخصوصاً به دست سروان هاشمی و تمنای رسیدگی و تعقیب موضوع را داریم و تا زمانی که رفع ناامنی نشود در تحصن خواهیم بود. در پایان تا آنجایی که توانسته‌ایم هویت بعضی مقتولان را به دست آورده و شرح پیوست معرفی می‌کنیم و اضافه می‌دارد دیشب ساعت ۳ بعد از نیمه شب ماموران به زور اجساد دوازده تن از مقتولان که در بیمارستان اکباتان بوده؛ برده‌اند و علاوه بر این چهار تن از مقتولان دیگر را در شهرستان بهار همدان دفن کرده‌اند که با رسیدگی حقیقت روشن خواهد شد.^۱

پس از قرائت شکوائیه‌ی مذکور، بانویی از اعضای انجمن خانه و دبیرستان پروین اعتصامی متن شکوائیه‌ای را که خطاب به دادستان، استاندار، سندیکای وکلا، کمیته‌ی ایرانی دفاع از حقوق بشر و کمیته‌ی جمعیت حقوق دانان بود قرائت کرد.

صفی‌خانی دادستان همدان بدنبال شکوائیه‌های متعدد و اعتصاب غذای وکلا، روحانیون و طبقات مختلف مردم، طی نامه‌ای به رئیس شهربانی همدان نوشت: «ریاست شهربانی همدان. شکایاتی که مردم به دستگاه عدالت تقدیم داشته‌اند شما در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۳۰ به روی عده‌ای از محصلین و مردم بیگناه که تظاهرات ساده‌ای را در خیابانها برپا کرده بودند، آتش گشوده و در نتیجه سه نفر کاسب عادی که نه جزو تظاهر کنندگان بودند و نه وضع آنها ایجاب می‌نمود که شرکتی در این موضوع داشته باشند، هدف گلوله مامورین قرار گرفته و جان خود را از دست داده‌اند و عده‌ای فرزند خرد و کلان بدون سرپرست از خود بجا گذاشته‌اند، از طرفی تعدادی از محصلین زیر هیجده سال نیز که به ضرب گلوله و باتون مجروح و مضروب گردیده‌اند در بیمارستانها در حال مرگ به سر می‌برند. آقای

۱. آیندگان، شماره ۲۲۴۹، آبان ۱۳۵۷، ص ۳.

رئیس شهربانی در کجای قرآن و در کدام جامعه‌ی غیر متمدن سزای تظاهرات و اجتماعات ساده‌ی خیابانی پاسخش گلوله و به قتل رساندن مردم است؟ لذا من به عنوان دادستان به شما اعلام می‌دارم:

۱. از این تاریخ تا مدت ده روز کلیه‌ی مسوولین قتل سه نفر بیگناه و عده‌ای مجروحین و مضرورین را معرفی کنید در غیر این صورت مسوول همه‌ی این وقایع شما خواهید بود،

۲. با توجه به اینکه به عنوان ضابط دادگستری موظف بوده‌اید جریان قتل سه نفری که مقتول شده‌اند به دادسرا اعلام دارید، از چنین عملی خودداری نموده‌اید، به عنوان اختفاء جرم قابل تعقیب خواهید بود،

۳. از این لحظه به بعد هرگونه وقایعی نظیر موارد فوق در شهرستان همدان رخ دهد، مسوول مستقیم آن شما خواهید بود و لاغیر^۱.

هیات اجرائی جمعیت حقوق دانان ایران با تلگرافی به صفی‌خانی دادستان همدان از تحسن وکلای همدان حمایت کردند:

«جناب آقای صفی‌خانی دادستان محترم همدان»

جمعیت حقوقدانان ایران ضمن اعلام همبستگی و تایید تحسن وکلای دادگستری آزاده‌ی همدان که خواستار معرفی و مجازات کلیه‌ی مسببین و عاملین کشتارهای قبلی و فاجعه‌ی سی‌ام مهر ماه این شهر می‌باشند و با اعلام تسلیت به مردم مجاهد و قهرمان همدان تعقیب و مجازات فوری کلیه‌ی عوامل کشتار و ضرب و جرح مردم را درخواست می‌نماید. «در پی تحسن مذکور و برحسب درخواست فرخ دفتری وکیل دادگستری همدان دو نفر از اعضای جمعیت حقوق دانان ایران، علی نقی حکمی و رضا زواره‌ای برای تحقیق درباره‌ی حوادث همدان به این شهر اعزام شدند.

- **روحانیان** : روحانیون همدان که همیشه نقش مؤثری در هدایت و رهبری مردم داشتند، در قیام سی‌ام مهر، خود نیز از نیروهای فعال در صحنه بودند و پس

از واقعه‌ی خونین سی مهر با صدور اعلامیه‌ای ضمن محکوم کردن حملات مامورین شهربانی به دانشجویان، دانش‌آموزان و مردم همدان، سه روز عزای عمومی اعلام کردند.

«اهالی محترم، اصناف، فرهنگیان همدان، همانطور که مستحضر هستید در اثر یورش پلیس به مدارس، مخصوصاً دبیرستان دخترانه‌ی پروین اعتصامی و کشتار و مجروح کردن گروهی از افراد بی‌پناه در خیابان شورین و دیگر خیابانها، روحانیت همدان اعلام می‌دارد که مسلمانان روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه را به عنوان اعتراض و اعلام عزای عمومی مشاغل خود را تعطیل نمایند و این اعمال وقیحانه و دور از انسانیت را محکوم نمایند. محرم‌علی دامغانی، سید رضا فاضلیان، محمد تقی عالمی دامغانی، سید فاضل حسنی، غلامحسین بهرامی، محمد رسول رسولی و علی حبیبی.»

جامعه‌ی روحانیت همدان در روز سیزده آبان اعلامیه‌ای مفصل راجع به حوادث سی مهر ماه این شهر و وقایع بعدی صادر نمود:

«بسمه عز شانه ان الله عزیز ذو انتقام»

«جامعه‌ی روحانیت همدان جهت آگاهی بیشتر ملت شریف ایران خاصه مردم متدین همدان ضمن ابراز تأثر از وقایع اسفبار همدان و اظهار تشکر از همبستگی کلیه‌ی طبقات مردم، مبادرت به صدور اعلامیه‌ی زیر می‌نماید:

از روز یکشنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۷ دانش‌آموزان دبیرستانهای همدان و دیگر مردم تظاهرات آرامی به عنوان اعتراض به حمله‌ی اهانت‌آمیز پلیس به دختران دبیرستانی بر پا کردند که با مداخله‌ی مسلحانه‌ی غیر قانونی قوای انتظامی عده‌ی بسیاری کشته و مجروح شدند، متعاقباً در روز دوشنبه اول آبان ماه جمعیتی متشکل از همه‌ی طبقات مردم جهت اعتراض به اعمال وحشیانه‌ی عمال رژیم در مقابل دادسرای همدان اجتماع کردند و با ارائه‌ی اسناد و مدارک دادستان همدان؛ شهربانی را مقصر شناخته و علیه آن اعلام جرم نموده بود و در روز سه‌شنبه دوم آبان ماه با شرکت قریب یکصد هزار نفر راهپیمایی آرام و بسیار شکوهمند با

شعارها و خواسته‌های اساسی از محل داسرا به طرف مرکز شهر برگزار شد و در نتیجه‌ی عدم مداخله‌ی پلیس هیچ گونه حادثه‌ای رخ نداد و بعد از ظهر همان روز ساعت ۲ همان جمعیت در مسجد جامع شهر مجلس فاتحه‌ای جهت تجلیل خاطره‌ی شهدای ۳۰ مهرماه بر پا کردند و بر خلاف نوشته‌ی روزنامه‌ی معلوم الحال رستاخیز در ساعت ۴/۵ متفرق نشدند بلکه در ساعت ۵/۵ سخنرانی پایان یافت و مردم با تذکر سخنران مذهبی با حفظ آرامش کامل از طرف بازار متفرق شدند و حال آنکه در ساعت ۴/۵ حریق‌هایی در شهر ایجاد شده بود. سخن کوتاه آنکه مردم متدین هوشیار باشند که اخیراً حوادثی از این قبیل در کشور بوقوع می‌پیوندد نظیر سینما رکس آبادان، هجوم به مسجد جامع کرمان، حمله‌ی قمه‌کش‌ها به زوآر حضرت عبدالعظیم و بالاخره یورش و غارت منازل فرهنگیان و دکاکین اسدآباد همدان که نشان دهنده‌ی نقشه‌های پلید دشمنان این نهضت مقدس برای لوٹ کردن آن و ایجاد وحشت بزرگ می‌باشد. در خاتمه‌ی تذکر این نکته لازم است که ملت ایران راه خود را باز یافته و خواسته‌های مشروعی دارد و به پیروی از مراجع عالیقدر، خاصه حضرت آیت‌الله خمینی تا حصول کامل این راه ادامه خواهند داد والسلام.^۱

بدین ترتیب جامعه‌ی روحانیت، تلاش رژیم را برای معرفی مردم به عنوان خرابکار و مخرب اماکن عمومی خنثی کرده و باعث تنویر افکار عمومی شدند.

– اعلام حمایت مراجع و روحانیون ایران از قیام سی مهر ماه:

تظاهرات گسترده‌ی دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم همدان علیه رژیم و رفتار غیر انسانی مامورین انتظامی با آنان؛ باعث حمایت مراجع و روحانیان مبارز از مردم همدان گردید، که در ذیل تلگراف آیات عظام گلپایگانی، عبدالله شیرازی، مرعشی نجفی و حجت الاسلام شیخ علی حیدری آورده می‌شود:

همدان - مدرسه‌ی آخوند.

۱. ندای میهن، سال ۲۸، شماره ۳، ۱۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۱.

«جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای شیخ رضا انصاری دامت تائیداته. تلگرام متضمن حمله به مدرسه‌ی مبارکه‌ی آخوند و قتل و جرح مردم موجب تأثر عمیق گردید. خواهشمند است تسلیت حقیر را به آقایان طلاب محترم و مجروحین و بازماندگان مقتولین ابلاغ فرمایید. از خداوند متعال رفع شر اشرار مسألت می‌نمایم، گلپایگانی.»^۱

تلگراف آیت‌الله العظمی شیرازی به علمای همدان:
همدان، بسم الله الرحمن الرحيم.

«جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید موسی خوانساری دامت تائیداته جناب مستطاب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی انصاری دامت تائیداته. ضمن ابلاغ سلام و تحیت، حوادث خونین و وحشیانه‌ی همدان موجب تألم و تأثر شدید حقیر و حوزه‌های علمیه و عموم طبقات گردید. این جنایات بدست عمال ظلمه روز به روز تکرار می‌شود و بر سیاهی صفحات زندگیشان می‌افزاید و ما به شدت آنها را محکوم می‌نماییم و از خداوند متعال قطع ایادی ظلمه را هر چه زودتر مسألت می‌نمایم و این فداکاری جوامع روحانیت و مردم مسلمان را در راه دفاع از مقدسات اسلام و حمایت از حقوق ملت رشید ایران تمجید نموده و تقدیر می‌نمایم و پیروزی و عظمت مسلمانان را در ظل عنایات خاصه‌ی حضرت بقیه‌الله المنتظم (عج) از خداوند متعال مسألت می‌نمایم. انتظار می‌رود مراتب تسلیت و تأثر عمیق حقیر را به عموم آقایان علما و حوزه‌ی علمیه‌ی همدان و مردم متدین و داغدیده ابلاغ بفرمایید و السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.

السید عبدالله الشیرازی ۲۳ / ذیقعدہ / ۱۳۹۸ ق»^۲

بسمه تعالی

«از حادثه‌ی تأسف‌آور حمله‌ی وحشیانه‌ی مامورین دستگاه استبداد، علیه مردم مسلمان دارالمومنین شهرستان همدان که منجر به قتل و ضرب و جرح عده‌ای از

۱. اسناد انقلاب اسلامی. جلد اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۵۲.

اهالی آن سامان شده است شدیداً متاثر و متأسف هستیم، ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و تقبیح این عمل ننگین، از خداوند متعال دفع شر مسببین این وقایع و جنایات روز افزون را که در آن ملت محروم ما را به قتل رسانیده یا مضروب یا مجروح و یا به زندان می‌افکنند مسألت می‌نماید. به محمد و اله الطاهرین. مستدعی است تسلیت حقیر را به بازماندگان مقتولین و عموم طبقات، خاصه آقایان علما و روحانیون محترم ابلاغ و از مجروحین و مصدومین حادثه دلجویی فرمایید، مزید تشکر و دعاگویی جامعه‌ی روحانیت خواهد بود. در خاتمه توفیق بیش از پیش آن جناب را در راه پیشرفت اهداف مقدس روحانیت و مردم مسلمان ایران از خداوند سبحان مسألت می‌نماید. ملتمس دعا والسلام علیکم و رحمہ [اللہ] البرکاته. شهاب الدین حسنی مرعشی نجفی»^۱.

۲۰ / ذیقعدہ / ۱۳۹۸

علاوه بر مراجع مذکور؛ آیت‌الله قمی در مشهد به مناسبت وقایع کرمان و همدان ضمن تعطیل کلاس‌های درس، مدت سه روز در مشهد مجالس عزاداری برگزار نمود.^۲

حجت‌الاسلام شیخ علی حیدری از روحانیون مبارز نهایوند با ارسال تلگرافی به روحانیون همدان ضمن اظهار همدردی، رفتار وقیحانه‌ی مامورین شهرداری را محکوم کرد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«فاجعه‌ی خونین روز یکشنبه همدان بدنبال حوادث گذشته‌ی آن شهر و سایر شهرستانها که بدست استبداد سیاه و بخاطر حفظ منابع استعمارگران بوجود آمد خشم و نفرت عموم ملت ایران بویژه منطقه‌ی غرب را برانگیخت.

۲. همان، ص ۵۴۸.

۳. اطلاعات شماره‌ی ۱۵۷۴۶، ۴۰ آبان ۱۳۵۷، ص ۴.

جامعه‌ی روحانیت و مردم شهرستان نهاوند به منظور ابراز همدردی و اظهار تنفر از این گونه اعمال وحشیانه همراه با تعطیل سه روزه‌ی کلیه‌ی دکاکین و مدارس و اعلام عزای عمومی و تشکیل مجلس عزاداری به سوگ نشستند.

ما این مصائب بزرگ را به مردم قهرمان همدان بویژه جامعه‌ی روحانیت تسلیت می‌گوییم و بر روان پاک شهیدانی که بفرموده‌ی بزرگترین مجاهد زمان و امید ملت ایران زعیم عالیقدر عالم تشیع، حضرت آیت‌الله العظمی الامام خمینی، خون آنها در راهی ریخته می‌شود که خون انبیاء ریخته شده، درود می‌فرستیم و از پروردگار نجات ملت مبارز ایران را مسألت داریم. علی حیدری».

بدنبال شکایات متعدد و کلای همدان، دانشگاهیان، فرهنگیان و ...؛ وزارت کشور هیأتی را برای تحقیق در مورد حوادث سی‌ام مهر همدان و معرفی مسببین و عاملین قتل عام مردم، به همدان اعزام نمود. این هیات بعد از چند روز تحقیق و صحبت با مردم و مسوولین شهر به تهران برگشت و گزارشی را به وزارت کشور ارائه نمود. که علی‌رغم تمام تبلیغات نه تنها عاملان کشتار مردم معرفی و مجازات نشدند بلکه آنها به نحوی مورد تشویق قرار گرفتند.

بدین ترتیب قیام سی مهر ماه دانشجویان و دانش‌آموزان همدان باعث واکنش سریع نیروهای انقلابی گردید و آنان را در مبارزه، متحد و مصمم‌تر نمود. دانش‌آموزان و دانشجویان در این تظاهرات و تظاهرات دیگر، اماکن نظامی و انتظامی را به منظور صدمه زدن به رژیم مورد حمله قرار دادند، اما هیچ گونه تعرضی به اموال مردم نداشته مگر در مواردی که سهواً بوده یا توسط مامورین برای بدنامی آنان صورت می‌گرفت.